

جستارهای اخلاقی!

درآمدی بر فلسفه اخلاق کانت

امیر میرهاشمی

امانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴ میلادی) بزرگ‌ترین و مشهورترین فیلسوف آلمانی است. برخی او را بزرگ‌ترین متفکر غرب می‌دانند و تعدادی وی را دست‌کم یکی از سه متفکر بزرگ تاریخ فلسفه غرب می‌شمارند.

در اهمیت کانت همین بس که فیلسوفان خلف او (چه موافق و چه مخالف) نمی‌توانند از کنار نام او به‌سادگی عبور کنند و بیشتر به هر یک از مباحث فلسفی که وارد می‌شوند مجبور هستند موضع خود را نسبت به آراء اندیشه‌ها و مباحث او، اظهار و اعلام کنند. از نکته‌های مهم درباره فلسفه کانت، نظام فلسفی منسجمی است که ارائه می‌کند و از این نظر، او میان متفکران غربی کم‌نظیر است. در نظام فلسفی کانت، اخلاق جایگاه بسیار مهمی دارد. وی در فلسفه اخلاق خود می‌کوشد که از سویی میان عالم جبری فیزیکی و عالم اختیار انسان، تبیینی موجه ارائه کند و از سوی دیگر، با ارائه معیاری برای اعمال اخلاقی از ارزش گزاره‌های اخلاقی دفاع کند. آنچه در پیش رو دارید تمهیدی است به مباحث فلسفی کانت درباره اخلاق.

می‌توان نظریات مختلف درباره گزاره‌های اخلاقی را به سه دسته تقسیم کرد: برخی دستورات اخلاقی را به امور تجربی فرو می‌کاهند

و آنها را قضایای تجربی می‌دانند و برخی دیگر، معتقدند که دستورات و مبادی اخلاقی گویای طرز فکر خاص گوینده هستند و به مثابه گزاره نمی‌توان آنها را محسوب کرد و در واقع تهی از معنا هستند. چنین طرز فکری میان فیلسوفان پوزیتیویست منطقی به نهایت درجه خود می‌رسد. دسته سوم نیز مبانی و دستورات اخلاقی را به نوعی شهود بازمی‌گردانند و معتقدند در انسان درک شهودی خاصی نهاده شده است که او را از اصول مطلق اخلاقی آگاه می‌کند. طرز تلقی اخیر به نوعی به مبانی اخلاقی، جنبه شناختی اعطا می‌کند.

آنچه به نوعی مشهود است، همخوانی این نظریات با برخی نظریات فلسفی است. در واقع صاحبان این آراء، بیشتر نظر خود را تحت تأثیر مواضع فلسفی خود مطرح می‌کنند و این از جهتی نقطه قوت این نظریات است؛ به این دلیل که این نظریات درباره اخلاق بر بنای فلسفه استواری قرار دارند؛ اما از یک نظر به اکثر این نظریات، این اشکال وارد است که با انتزاعی کردن و به عبارت بهتر، با فلسفی کردن موضوع بحث از امور ملموس و تجربیات بی‌واسطه اخلاقی فاصله می‌گیرند.

در این میان، نظریات فلسفی کانت درباره اخلاق از این نظر دارای امتیاز است. در واقع فلسفه اخلاق کانت این برتری را نسبت به

بسیاری از نظریات بدیل خود دارد که در عین اینکه در همه مراحل بسط آن، مناسبتش را با مبانی فلسفی فیلسوف حفظ می‌کند، در تماس نزدیک و مستقیم با تجربیات اخلاقی است.

کانت سه اثر معروف درباره فلسفه اخلاق دارد: اولی **بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق** است که در سال ۱۷۸۵ منتشر شد. کانت در این کتاب می‌نویسد که قصد تألیف اثری درباره «مابعدالطبیعه اخلاق» را دارد و بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق در واقع پیش‌درآمدی بر آن اثر است. هرچند کانت در آن کتاب صرفاً از «مابعدالطبیعه اخلاق» نام می‌برد که در سال ۱۷۹۷ منتشر شد، ولی کتاب **نقد عقل عملی** (۱۷۸۷) نیز برای فهم فلسفه اخلاق کانت، از اصلی‌ترین منابع محسوب می‌شود. از سوی دیگر، نقد عقل عملی یکی از سه نقد مهم و مشهور کانت است که در کنار دو نقد دیگر؛ یعنی «نقد عقل محض» (معروف به نقد نخست) و «نقد قوه حکم» (معروف به نقد سوم)، به «نقد دوم» مشهور است.

کانت در نقد اول به بحث درباره چگونگی امکان متافیزیک می‌پردازد و در نقد دوم، آرای او درباره فلسفه اخلاق مطرح می‌شود و در نقد سوم مبانی فلسفه هنر خود را ترسیم می‌کند. کانت در قسمتی از مباحث نقد نخست به این مسئله اشاره می‌کند که عقل از دو راه می‌تواند به عینی که به آن تعلق دارد بستگی پیدا کند: یکی از این

طریق که صرفاً به آن عین و به مفهوم آن عین تعین بخشد و دیگر از این راه که به آن، واقعیت یا فعلیت بخشد.

کانت اظهار می‌کند که او عقل را در مورد اول، «عقل نظری» و در مورد دوم، «عقل عملی» می‌نامد. در توضیح باید بگوییم که در مورد اول عقل صرفاً به مفاهیم پیشینی که در ذهن دارد، و این مفاهیم اصلاً حاصل تجربه حسی نیستند، بلکه به شکلی قالب ذهن انسان‌اند، به‌وسیله محسوسات تعین می‌بخشد. این محسوسات یا همان تجارب حسی به بیان کانت یافته‌هایی بی‌واسطه هستند، ولی بدون مفاهیم پیشینی ذهن نمی‌توانند هیچ معنایی برای انسان ایفا کنند. اما درباره کارکرد دوم عقل که کانت آن را «عقل عملی» می‌نامد، در واقع عقل به چیزی واقعیت یا فعلیت می‌بخشد که اصلاً جزو امور واقع نیست. به بیان دیگر، ما می‌دانیم که برخی چیزها جزو عالم واقع (عالم تجارب حسی) نیستند، ولی حکم می‌کنیم که باید باشند و این همان کارکرد عقل عملی است.

بنابراین، باید بدانیم که موضوع عقل عملی خارج از مجموعه موجودات عالم واقع است. به بیان کانت: هر قدر هم علل طبیعی فراوان و محرک‌های حسی متعدد مرا به خواستن و اراده کردن چیزی سوق دهند، ممکن نیست در من حالت مکلف‌بودن ایجاد کنند.

در مرحله بعد، کانت به این نکته اشاره می‌کند که دو چیز انسان را به انجام کاری برمی‌انگیزند: اول، امیال درونی ما، که خواهان انجام کاری هستند و ما به لحاظ درونی میل به آن کار را داریم، اما همیشه کارها را به میل و رغبت کامل درونی انجام نمی‌دهیم و با وجود اینکه در انجام کاری که مخالف میل درونی ماست هیچ اکراه بیرونی نداشته باشیم، ممکن است آن کار را انجام دهیم و این در جایی است که آن کار را بنا بر اصول کلی انجام می‌دهیم. شاهد چنین ادعا معارضه‌ای است که انسان بین خواهش و وظیفه حس می‌کند.

معمولاً اصطلاحات «خیر، شر، خوب و بد» جزء اصطلاحات اصلی مباحث سنتی اخلاق هستند. کانت نیز با این که بحثی متفاوت با مباحث سنتی درباره اخلاق مطرح می‌کند، از اصطلاح «خیر» استفاده می‌کند. به نظر کانت، تنها خیر بدون قید و شرط، اراده خیر است. اراده انسان برای عمل به خیر جدا از اینکه انسان چه

عملی را مرتکب می‌شود، تنها خیر مطلق از نگاه کانت است. به نظر او بیشتر چیزهایی که خوب و خیر شمرده می‌شوند، در خوب‌بودن مشروط هستند. هوش، ذوق، دلیری و ثروت را تنها در جایی با ارزش می‌دانیم که به چیزهای دیگری که ارزشمند می‌پنداریم کمک کنند؛ ولی اراده خیر چنین نیست و بدون قید و شرط، نیکوست.

در واقع، کانت در فلسفه اخلاق خود عالمی را خارج از عالم محسوس و واقعی ترسیم می‌کند و آن عالم درون انسان است و برخلاف عالم محسوس که قانون و علیت جبری را در آن حاکم می‌بیند. توجه داشته باشیم که گفتیم عالم محسوس، نه عالم مادی خارج از انسان که کانت هیچ‌وقت نه چنین عالمی را اثبات می‌کند و نه انکار. عالم درون ما دارای اختیار است و شاهد این ادعا همین است که خود را برای انجام یا انجام‌ندادن هر عملی مختار احساس می‌کنیم و می‌توانیم تصمیم بگیریم عملی را انجام دهیم یا نه. کانت بر این اساس اعمال انسان‌ها را منبعت از دستور شخصی (Personal maxim) می‌داند.

هر کس برای خود می‌تواند دستوری برای اعمالش داشته باشد. اخلاقی‌بودن اعمال انسان‌ها بر حسب دستوری است که برای اعمال خود اختیار می‌کنند. باید توجه داشت که این دستور مبدأ ذهنی عمل است و نه مبدأ عینی آن؛ یا به عبارتی «ماده» آن. اینکه برای انجام عملی مانند نجات کسی که در حال غرق شدن است، دو مبدأ وجود دارد: یکی طریقه و قانون شنا کردن است که اگر رعایت نشود نه تنها انسان نمی‌تواند دیگری را نجات دهد، بلکه خود نیز غرق می‌شود و دیگری دستوری ذهنی است که براساس آن انسان اقدام به عمل نجات انسان دیگر می‌کند و این همان قاعده شخصی است که همواره الگوی رفتار آدمی است. البته این به آن معنا نیست که انسان پیش از عمل یا در هنگام انجام آن همواره دستور را به‌خود یادآوری می‌کند.

ممکن است انسان در هنگام انجام عملی چنین یادآوری هم بکند، ولی این همیشگی نیست؛ بلکه بیشتر دستور ملکه رفتار انسان می‌شود و ممکن است تا وقتی از انسان نپرسند که دستور شخصی تو چیست، به صورت‌بندی آن نپردازد.

این دستور همیشه اخلاقی نیست. ممکن است دستور شخصی یک انسان که مبدأ اعمال

اوست، سودانگارانه باشد؛ به این معنا که هر آنچه برای من فایده داشته باشد، انجام می‌دهم بدون توجه به اینکه عمل من چه عواقبی برای دیگران خواهد داشت. به طور مسلم چنین دستوری اخلاقی نیست و این از مقدماتی که در ابتدای یادداشت به آن پرداختیم و ذکر وظیفه‌شناسی به عنوان تنها معیار خیربودن اراده آشکار است. کانت شرط نهایی اخلاقی‌بودن عمل و دستور شخصی را به این شکل بیان می‌کند که «عمل من به این شرط و تنها به این شرط اخلاقی است که بتوانم اراده کنم دستوری که از آن پیروی می‌کنم به قانون کلی مبدل شود.» یا به عبارت دیگر، «چنان عمل کن که دستور ارادات همیشه بتواند در عین حال به عنوان اصل در قانونگذاری کلی پذیرفته شود.»

باید توجه کنیم که این دستوری شخصی [و اصلاً دستور] نیست، بلکه اصل اخلاقی کانت است که برخی دستورات با آن تطبیق می‌کنند و برخی نه. بنابراین اگر ما این اصل نهایی اخلاق کانت را به‌خوبی بدانیم و از جزئیات عمل یک فرد آگاه باشیم، نمی‌توانیم بگوییم عمل او اخلاقی بوده یا نه؛ مگر اینکه بدانیم عمل او بر اساس چه دستوری انجام شده است. اما اگر دستور اخلاقی را بدانیم، به‌راحتی می‌توانیم تشخیص دهیم که عملی که در نتیجه این دستور انجام شده اخلاقی بوده است یا خیر؛ چرا که به نظر کانت: «عامی‌ترین فهم قادر است بی‌هیچ آموزشی تشخیص دهد که کدام صورت دستور، شایسته قانونگذاری کلی است و کدام صورت شایسته نیست.»

اخلاق و اطلاعات

بینا با بایی‌راد

جامعه امروز به‌طور روزافزون از جنبه‌های آموزشی، ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد، بازار و جز آن به فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اطلاعاتی وابسته شده است. با گسترش و نفوذ این فناوری‌ها در چارچوب‌های بیرون از نهادهای علمی و پژوهشی و مبدل شدن آن به محیط‌هایی از نوع خانگی و یا اقتصادی، برداشت‌های تازه‌ای از رابطه اخلاقیات را با آن مطرح کرده و از این طریق نگرانی‌ها و پرسش‌های فراوانی را به‌وجود آورده است. یکی از پرسش‌های بنیادین این است که با توجه به فضای باز اطلاعاتی جدید

که اطلاعات افراد را از هر قید و بند ناخواسته‌ای آزاد می‌کند و گزینه‌های افراد را افزایش می‌دهد، در این شرایط نظام‌های اخلاقی، در چالش و کشمکش با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چگونه باید عمل کنند؟ آیا باید با ایجاد دشواری همه گناه را به تحولات ساختاری و آنها که تحولات ساختاری را آشکار و شفاف می‌کنند، نسبت دهند یا اینکه به دنبال راه‌حل‌های منطقی و صحیح باشند تا بتوانند اخلاق یا به تعبیر این نوشتار، اخلاق اطلاعات را به اخلاق عملی تبدیل سازند؟

یادداشت زیر در زمینه نظام اخلاقی حاکم بر فناوری‌های نوین ارتباطی تهیه شده است که با هم می‌خوانیم:

هرگاه پای فناوری به یک عرصه باز شود، آن عرصه، افسارگسیخته‌تر و رهاتر عمل می‌کند؛ به‌ویژه در حوزه تصویر و تا حدی در حوزه کار با متن و صدا که امکانات زیادی برای موادی که در رسانه‌ها عرضه می‌شوند فراهم آمده است. اکنون با استفاده از حافظه‌های رایانه‌ها می‌توان حجمی عظیم از تصاویر را در اختیار داشت و به صورت گوناگون تصاویر و اطلاعات را در کنار هم چید. همچنین صداها و متن‌های ذخیره‌شده در رایانه‌ها، چه مستقل و چه به همراه دیگر مواد رسانه‌ای (چون تصاویر) انبوهی از اطلاعات و مواد را برای کارهای مختلف در اختیار و دسترس کاربران قرار می‌دهند.

فناوری حیطة ابزارها را گسترش داده و با تولید انبوه، آنها را به میان همه افراد علاقه‌مند برده است. بنابراین، در هر سطح کار و حرفه‌ای بودن، افراد به ابزارها دسترسی دارند و تنها ایده‌ها و تکنیک خاص آنهاست که به اثرهای هنری، بداعت و تازگی می‌بخشد. فناوری پیامدهایی برای طرف‌های درگیر در دیدگاه‌ها و موضوع‌ها دربردارد. فناوری در عرصه رسانه‌های صوتی و تصویری، اولاً؛ دایره کارکرد این رسانه‌ها را گسترده‌تر کرده و موجب شده است که آنها موضوع‌هایی بیشتر برای کشف در اختیار بگیرند. ثانیاً؛ پوشش و حوزه عمل این رسانه‌ها را گسترده کرده است. ثالثاً؛ بر تنوع صورت‌ها افزوده است و رابعاً؛ امکان برقراری نسبت‌های گوناگون میان فرم و محتوا را ممکن کرده است.

هر چهار موضوع بر ابعاد و پیامدهای اخلاقی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌افزایند. اخلاق به عنوان یک نظام از ارزش‌های خیر

و شر، خوب و بد، و اراده معطوف به آنها، در دنیایی که همه چیز رنگ تجارت، بازده، سود، حق‌الزحمه، کارایی، بهره‌وری و مانند آنها را به خود می‌گیرد، همچنین به عنوان یک زیرمجموعه و شاخه‌ای جدید ولی مهم از اخلاق حرفه‌ای یا عملی، دیگر نمی‌تواند به صورت یک نظام نظری به افراد درگیر عرضه شود. اخلاق با بسیاری از حوزه‌های فعالیت انسانی رابطه دارد و از آن جمله است اطلاعات و یا یک حوزه پیوسته به آن یعنی سیستم‌های اطلاعاتی که اهمیت آن امروزه مشخص است؛ چرا که در دنیای امروز دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و تنها این ابزارها و سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند که می‌توانند این حق را ایفا کنند. جریان اطلاعات در یک کشور در حال توسعه، صرفاً به جریان آن از بالای هرم حکومت به پایین محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه اطلاعاتی را دربر می‌گیرد که مردم برای ایفای نقش‌های خود نیاز دارند. گروهی از کارشناسان، کاربرد ابزارها و سیستم‌های اطلاعاتی را سومین اشتغال انسان مدرن دانسته و آن را در مراتب بعد از کار و استراحت قرار داده‌اند. این کاربرد حالت غیرفعال و یا منفعل ندارد.

اگر مسائل اخلاقی اطلاعات در مرتبه اول مورد توجه هنرمندان و خلاقان آثار، روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه‌ها قرار دارد، مردم نیز به نوبه خود به رسانه‌ها از این نظر توجه می‌کنند. آنها از سوءکارکردها، فاصله و انحرافات که در ارتباط با نقش سیستم‌های اطلاعاتی در جامعه دارند، احساس نگرانی می‌کنند. ابزارهای ارتباطی نوین، که آخرین آنها بزرگراه‌های اطلاعاتی هستند، هم مقالات علمی، اطلاعات تجاری، اطلاعات روزمره مورد نیاز مردم چون: اخبار هواشناسی، اطلاعات شهری، مواد روزنامه‌ها، نامه‌های افراد به یکدیگر، فیلم‌ها، عکس‌ها و هم اطلاعات و پیام‌های حاوی تحریک و تشویق به جنایت را دربرمی‌گیرند. به عبارتی، این ابزارها علاوه بر کارکردهایی که دارند (از جمله: ایجاد سرگرمی، اطلاع‌رسانی، آموزش، اجتماعی‌کردن، کنترل اجتماعی، تبلیغ و القا و ...) دارای تأثیراتی نیز هستند که ناشی از خشونت، طرح‌های اجتماعی و ... است و در چارچوب اصول اخلاقی قرار می‌گیرد. پس با توجه به گستره عمل وسیع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تأثیر آن، اگر از خود سؤال کنیم که اطلاع‌دادن چه مفهومی

در نظام فلسفی
کانت، اخلاق
جایگاه بسیار
مهمی دارد. وی در
فلسفه اخلاق خود
می‌کوشد که از
سوئی میان عالم
جبّری فیزیکی و
عالم اختیار انسان،
تبیینی موجه ارائه
کند و از سوی
دیگر، با ارائه
معیاری برای اعمال
اخلاقی از ارزش
گزاره‌های اخلاقی
دفاع کند.

دارد، می‌توانیم اینگونه پاسخ دهیم که اطلاع، شکل دادن به یک آگاهی به منظور بامفهوم کردن آن برای یک شخص دیگر یا عده زیادی است. اطلاعات به معنی جاری پوشش‌دهنده ابعاد محتوایی و شکلی و اقدام به انتقال و ارتباط است.

از سوی دیگر، اخلاق را می‌توان البته برحسب یکی از رایج‌ترین گرایش‌های موجود در جهان، افق‌ها و دیدگاه‌های رفتاری مورد پذیرش در یک زمان و یک جامعه معین دانست و در حقیقت علم اخلاق، علم تمیز خوب از بد است. براساس آنچه در غرب امروزه تحت عنوان، علم «وظیفه‌شناسی» تعریف می‌شود، مجموعه الزاماتی است که تعیین‌کننده نظم یک اقدام است و به همین اعتبار است که برای هر بخش خاص عملکردهای حرفه‌ای و شغلی، وظیفه‌شناسی

فناوری در عرصه رسانه‌های صوتی و تصویری، اولاً؛ دایره کارکرد این رسانه‌ها را گسترده‌تر کرده و موجب شده است که آنها موضوع‌هایی بیشتر برای کشف در اختیار بگیرند. ثانیاً؛ پوشش و حوزه عمل این رسانه‌ها را گسترده کرده است. ثالثاً؛ بر تنوع صورت‌ها افزوده است و رابعاً؛ امکان برقراری نسبت‌های گوناگون میان فرم و محتوا را ممکن کرده است.

معینی به شکل مکتوب و غیرمکتوب در همه اجتماعات به نوعی مطرح است. اخلاق اطلاعات بدیهی است که کاملاً مترادف با اخلاق روزنامه‌نگاری نیست. اخلاق رسانه‌ها به‌عنوان سازمان‌های خاص در سطح بسیار فراتر از مسئولیت‌های فردی قرار می‌گیرد. حیطة عملکرد این اخلاق نیز در عمل تمامی صور هنجاری شکل پذیرفته و ساخت یافته است که از سوی سازمان‌های حرفه‌ای خاصی بقا یافته، تداوم آنها مورد نظارت قرار می‌گیرد. اما دشواری اجرای اخلاق اطلاعات حتی در مفهوم ساده آن و بدون نگاه به ابعاد محتوایی به مسئله تنوع کانال‌های اطلاعاتی و تنوع بسیار مقیاس‌ها و معیارهای مورد استفاده برمی‌گردد. واقعیت آن است که وقتی یک فناوری جدید پذیرفته می‌شود، ممکن است برخی از نتایج و عوارض کاربرد آن اجتناب‌ناپذیر باشد؛ بالاخص اینکه هرگونه تحول فناورانه و یا اجتماعی و ... با خود تنش‌هایی را نیز به همراه دارد. این وضعیت ناشی از روند کند

تحولات فناورانه در یک جامعه (به‌ویژه در جوامع درحال توسعه) و در دنیایی است که در مجموع به‌سرعیت در حال حرکت است و استفاده از این فناوری‌ها و مسائل اخلاقی وابسته به آنهاست. اما اگر این تحولات به‌طور کلی مطلوب باشند، کل فرهنگ را دربرگیرند، همه وجوه آن را شامل شوند و به سرعت انجام گیرند، برهم‌خوردگی سازمانی و عدم انطباق فردی و اجتماعی کمتری را نسبت به تغییر تدریجی در یک دوره طولانی دربرخواهند داشت. در این صورت، نظام اخلاقی نیز کمتر شکاف برمی‌دارد و تنظیم روابط اجتماعی براساس آن آسان‌تر صورت خواهد گرفت. برای نمونه، اینترنت به‌عنوان مهم‌ترین فصول جامعه اطلاعاتی همانند یک محل مجازی ملاقات عمومی شهروندان جهان است. یک نقطه تلاقی عمومی است که در آن میلیون‌ها نفر از بیش از ۱۵۵ کشور جهان با هم در رابطه قرار می‌گیرند. آنها در هر آن به اطلاع درباره چیزهای مختلف مثل گفت‌وگو، بازی، مشاهده تصاویر مختلف، تجارت و ... می‌پردازند؛ زیرا قاعده کلی حاکم بر اینترنت استفاده از اطلاعات به گونه‌ای آزاد است.

اینترنت و اخلاق‌گرایی

اینترنت که در گروه بزرگراه‌های اطلاعاتی در مقام اول قرار گرفته است، یک بانک اطلاعاتی نیست، بلکه بااهمیت‌ترین و گسترده‌ترین شبکه رایانه‌ای جهان است و شاید نمونه‌ای اولیه از بزرگراه‌های اطلاعاتی ربع اول قرن بیست و یکم باشد که منشأ تغییراتی در قلمرو فرهنگ در مفهوم عام است. اینترنت می‌تواند در حکم مخزنی از اطلاعات خوب و بد، زشت و زیبا، اخلاقی و غیراخلاقی تلقی شود. البته مسئله در این است که مرزهای میان این صفات دوگانه را جامعه‌های مختلف چگونه تعریف می‌کنند. در جامعه ما اینترنت نامی کم و بیش آشنا، اما در عین حال اسرارآمیز و مهم است؛ نامی که دانستن‌های پراکنده درباره آن همواره در طول چند سال اخیر رو به افزایش بوده است و توسعه و تحول سریع آن هم سبب شده است که اطلاعات در این باره به سرعت کهنه شود.

از سوی دیگر، بسیاری از افراد، سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان‌های علمی و آموزشی نیز نتوانسته‌اند در مقابل این پدیده نوظهور که الگویی از یک جامعه اطلاعاتی است بی‌تفاوت بمانند و بنابراین متقاضی اتصال به اینترنت شده‌اند. به

هر حال با گسترش تدریجی شبکه‌های اطلاعاتی به‌ویژه اینترنت در جامعه ما، ابعاد مختلف این نوع فعالیت‌ها آماج انتقادات و مخالفت‌های گوناگونی نیز بوده است که مهم‌ترین آنها در رابطه با مسائل اجتماعی و فرهنگی؛ نظیر: تسهیل دسترسی به صفحه‌های مغایر با شئون اخلاقی و انتشار صور قبیحه است. هر چند در مقابله با این مسئله در برخی کشورها، کنترل دسترسی به برخی از این سایت‌ها را توصیه و بدان عمل کرده‌اند، در برخی از کشورها و از جمله آمریکا قوانینی تصویب شده که به موجب آن انتشار تصاویر مغایر با شئون اخلاقی جامعه در شبکه‌های متصل به اینترنت ممنوع شده است. این ممنوعیت در مواردی شرکت‌های برقرارکننده ارتباط میان اینترنت و استفاده‌کنندگان را هم مسئول قرار داده است. اما این وضعیت در خیلی از کشورهای دنیا با نارسایی‌های متعدد حقوقی مواجه است. به علت جدیدبودن ماهیت جرایمی که ممکن است واقع شود، راه‌حل مناسبی در اغلب موارد به‌وجود نیامده است. قوانین حقوق مؤلف و هنرمندان که در بسیاری از کشورهای دنیا وجود دارد، در فضای انفورماتیک کارایی خود را از دست داده است. موضوعیت اغلب این قوانین در دنیای چاپ و نشر خلاصه شده است و فضای دیجیتال در آن جایی ندارد. از طرفی، این مسائل به ارزش‌های اجتماعی وابسته‌اند. البته درباره منشأ ارزش‌ها، دو جهت‌گیری بر جریان‌های فکری جهان حاکم است: یک دیدگاه عقیده دارد ترسیم جهت‌گیری کلی ارزش‌ها و هدایت کسانی که از این جریان‌ها سرپیچی می‌کنند از جانب نیرویی خارجی امکان‌پذیر است و دیدگاه دیگر معتقد است که انسان‌ها از توانایی کامل برای پی‌ریزی سیستم‌های ارزشی متناسب با سطح رشد و توانایی خود برخوردارند و با وجود چنین توانایی‌هایی، هیچ نیروی خارجی را یارای مداخله در زندگی آنها نیست، بلکه این انسان‌ها هستند که با تکامل و رشد خود می‌توانند مشکلات فردی و اجتماعی خویش را حل کنند.

البته دیدگاه‌ها و مکاتب دیگری نیز در این میان وجود دارند که به لحاظ تئوریک به یکی از این دو جهت‌گیری اشاره شده، متمایل هستند. بنابراین باید گفت که دیدگاه واحدی نسبت به ارزش‌ها وجود ندارد و تنها مرز مشترک میان آنها این است که این دیدگاه‌ها هر یک به نوبه خود معیار میان حق و باطل و مصالح و مفاسد

تلقی می‌شوند. اغلب میان حق و مصلحت از یک‌سو و باطل و مفاسد از سوی دیگر رابطه برقرار می‌شود. در هر صورت، این درست است که هر چیز مفیدی باید مورد استفاده قرار گیرد، اما این انسان‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه از فناوری‌های مختلف استفاده کنند.

اطلاع‌رسانی یا اخلاق‌گرایی

همانگونه که هرگونه محدودیت بر روی شبکه‌های اطلاعاتی می‌تواند از بسیاری از مشکلات اخلاقی جلوگیری کند، ممکن است افرادی را از حق داشتن و کسب اطلاعات مفید محروم سازد. در اینجاست که اخلاقیون فقط با ترجیح خیر کثیر بر شر قلیل در مقایسه میان مفاسد و مصالح جامعه بدین اقتضا می‌رسند که برخی لوازم و پیامدهای غیراخلاقی یا ضداخلاقی از منظر خویش را تحمل کنند. اما اگر اخلاق در برابر مصلحت عمومی حرف اول را بزند، می‌تواند حتی به خاطر یک شر قلیل، خیر کثیری را از میان راه بردارد. یکی از مبانی عملکرد اینترنت در رابطه قراردادن دو طرف ارتباط است و برای برقراری کیفیت متناسب از نظر ارتباطات متقابل آنچه برای عاملان در شبکه ضروری است، تدوین قواعد «دانش برقراری ارتباط» است؛ چراکه در پرتو آن می‌توان یک نگرش مبتنی بر تنظیم خود به خودی را میان دو طرف ارتباط برقرار و به این طریق فقدان کنترل مرکزی را به‌نوعی جبران کرد. در این کنترل در عین حال نه حضور فیزیکی مشخص مطرح است و نه فرایند شناختی که قابلیت اطمینان کافی داشته باشد. آداب معاشرت در شبکه همانند برخی از قواعد زندگی روزمره، نظامی هنجاری و اخلاقی است. در حقیقت مجموعه قواعد کم و بیش ثابت و نانوشته است که یقین می‌کند چه چیزی مناسب است، قواعدی که از کاربردها و عملکردها اخذ شده است. اخلاق و آداب شبکه دربرگیرنده مجموعه قواعد کم و بیش آشکار و مشخص پذیرفته‌شده از سوی اکثریت استفاده‌کنندگان اینترنت است. این قواعد از سوی شخص یا سازمان مشخصی وضع نشده است، بلکه ساخته و پرداخته توده استفاده‌کنندگانی است که برای خود قواعد رفتار مناسب تعیین کرده‌اند. بنابراین بر طبق مقتضیات فضای حاکم بر آن شبکه اطلاعاتی خاص و نوع رابطه، برنامه و موضوع هر یک از مسائل اخلاقی در سطوح مختلف و مشخص ظاهر می‌شود و عکس‌العمل‌های

متعددی را از طرف کاربران، مشتریان و همچنین تولیدکنندگان سایت‌ها یا شبکه‌های مرتبط و حتی واسطه‌ها و توزیع‌کننده‌ها، ایجاد می‌کند.

اخلاق رسانه‌ای

هلن صدیق بنای

اخلاق رسانه‌ای گرچه تابع اصول و قواعدی کلی و جهان‌شمول است، اما به سبب ریشه‌گرفتن آن از مجموعه ارزش‌های بطن جامعه می‌تواند از جامعه و فرهنگی به جامعه و فرهنگ دیگر متفاوت و متغیر باشد. از این رو تدوین اصول کلی اخلاق رسانه‌ای به سادگی تدوین قواعد کلی حقوق رسانه‌ها نیست و در هر فرهنگ و جامعه‌ای، تعاریف و محدوده‌های خاص خود را دارد. «پیش‌نویس قواعد اخلاق حرفه‌ای بین‌المللی» از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تهیه شده است. در نتیجه اینگونه اقدام‌های جهانی است که در حال حاضر انواع مقررات مربوط به اخلاق رسانه‌ای عملاً در شاخه‌های مختلف صنایع ارتباطات وجود دارد. در زمینه فعالیت‌های مختلف روزنامه‌نگاری، در صنعت نشر آگهی، روابط عمومی، نظرسنجی‌های مختلف، پژوهش‌های مربوط به بازار، تحریر مطالب و مقالات ورزشی و سایر زمینه‌ها، استانداردهای اخلاقی جا افتاده است و به آن عمل می‌شود.

خدمه مطبوعات و همه رسانه‌های اطلاع‌رسانی، باید جهت حصول اطمینان از اینکه اطلاعات رسیده از سوی عموم، واقعاً صحیح باشد، اقدام کنند و هر کاری در توان آنهاست انجام بدهند. آنها باید همه اقلام اطلاعات را با حداکثر توان خود بازبینی کنند تا هیچ حقیقتی به‌صورت عمدی تحریف نشود و هیچگونه حقایق ضروری به‌صورت عمدی مخفی نگاه داشته نشود.

استاندارد بالایی از رفتار حرفه‌ای مستلزم اعتقاد قوی به حصول منافع عمومی است. پی‌جویی امتیازهای شخصی و تشویق منافع خصوصی مغایر رفاه عامه، به هر دلیلی، ناقض رفتار حرفه‌ای است. افترا، اهانت، بدنام‌کردن عمدی و اتهامات بی‌اساس و سرقت ادبی تخلفات جدی حرفه‌ای هستند. حسن‌نیت نسبت به عموم، اساس روزنامه‌نگاری صحیح است. هرگونه اطلاعات منتشره که مضر و نادرست باشد، باید فوراً و بلافاصله تکذیب شود. شایعات

و اخبار تأییدنشده باید مشخص شوند و رفتاری مناسب با همین حالت با آنها انجام شود. فقط آن دسته از تکالیف که مطابق با کرامت و حیثیت حرفه روزنامه‌نگاری باشد باید بر عهده خدمه مطبوعات و سایر رسانه‌های اطلاع‌رسانی و نیز کسانی گذاشته شود که در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مؤسسات اطلاع‌رسانی شرکت دارند.

کسانی که اطلاعات یا تفاسیری را به عموم عرضه می‌کنند باید مسئولیت کامل آنچه منتشر کرده‌اند بر عهده بگیرند؛ مگر آنکه اینگونه مسئولیت‌ها به‌طور آشکار در همان زمان انتشار رد شده باشد. سابقه افراد باید محترم شمرده شود و اطلاعات و تفاسیر مربوط به زندگی‌های خصوصی که احتمال دارد به سابقه آنها لطمه بزند نباید منتشر شود؛ مگر این‌که به نفع عامه باشد و این امر را باید از کنج‌کاوای عامه تفکیک کرد. چنانچه اتهاماتی علیه سابقه یا ماهیت اخلاقی افراد مطرح شود، باید فرصتی برای پاسخگویی داده شود. شرط احتیاط و دقت باید در مورد همه منابع رعایت شود. محرمانه‌بودن مطالبی که به‌طور محرمانه ابراز شده است، باید رعایت شود و این امتیاز همواره باید مستند به حدود قانونی باشد.

وظیفه کسانی که وقایع مربوط به کشور خارجی را شرح می‌دهند یا تفسیر می‌کنند این است که دانش لازم را درباره آن کشور - به نحوی که گزارش‌دهی و تفسیر به صورت دقیق و منصفانه امکان‌پذیر باشد - کسب کنند. قواعد حاضر متکی بر این اصل است که مسئولیت تضمین رعایت واقعی اخلاق حرفه‌ای بر عهده کسانی است که دست‌اندرکار حرفه روزنامه‌نگاری هستند، نه دولت. هیچ یک از مفاد این قواعد به نحوی تفسیر نخواهند شد که باعث توجیه دخالت دولت برای رعایت تعهدات اخلاقی مندرج در آن شوند.

اعلامیه یونسکو

اصول اخلاقی که با اعلامیه «یونسکو درباره رسانه‌ها» و به‌وسیله اکثریت کشورهای عضو آن سازمان در سال ۱۹۸۳ م. با ۱۰ اصل تصویب شد، به ترتیب زیر است:

- حقوق مردم در مورد اطلاعات حقیقی؛
- بستگی روزنامه‌نگار به واقعیت عینی؛
- مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگار؛

- صحت عمل حرفه‌ای روزنامه‌نگار؛
- دستیابی و مشارکت مخاطبان در زمینه‌های اخبار و اطلاعات (حق جواب مخاطبان و وظیفه تصحیح روزنامه‌نگاران)؛

- احترام به زندگی خصوصی و شرافت انسانی؛

- احترام به منافع عمومی؛

- احترام به ارزش‌های جهانی و گوناگونی فرهنگ‌ها؛

- از میان بردن جنگ و مصائب دیگر بشریت؛
- پیشبرد نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات.

تعاریف و نظریات

در دایره‌المعارف بین‌المللی ارتباطات، اخلاق رسانه‌ای زیرمجموعه‌ای از اخلاق عملی و یا حرفه‌ای دانسته شده که از ترکیب توصیف و نظریه تشکیل شده است. در این دایره‌المعارف آمده است: اخلاق رسانه‌ای شاخه‌ای جدید ولی مهم از اخلاق حرفه‌ای است. در قضاوت‌های معنوی سطوح تصمیم‌گیرنده در رسانه‌ها، اخلاق رسانه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. البته حفظ اهمیت اصول و تئوری اخلاقی رسانه‌ای به طور منطقی دو روی یک سکه هستند.

دفلور و دنیس

به‌طور کلی اخلاقیات رسانه‌ها در سه نقطه متمرکزند:

- درستی و انصاف و زیبایی در تهیه گزارش و سایر فعالیت‌های جنبی آن؛

- رفتار گزارش‌گران؛ به‌ویژه در ارتباط با منابع خبری؛

- خودداری از درگیر شدن در برخورد منافع گروه‌های مختلف.

دیکسون

دیکسون مدعی است، فقدان توافق جهانی درباره هنجارهای اخلاقی از مشخصه‌های ارتباط جمعی هست و خواهد بود. در نتیجه بسیاری از مقررات اخلاقی که در این مورد وضع شده‌اند، در بهترین شکل خود، تنها رهنمودهای هنجاری هستند که بر هیچ فلسفه اخلاقی مشترکی مبتنی نیستند و ارتباط‌گران و روزنامه‌نگاران، بسته به موقعیت، به نحوی خاص با آنها روبه‌رو می‌شوند. تصویب قوانین گسترده، برای اعمال چنین هنجارهایی که دوام و مقبولیت آنها مورد تردید است، کاملاً غیرعملی است.

شن مک براید

ارزش‌ها و معنای منسوب به مفاهیمی چون اخبار، حقیقت، عینیت، آزادی و حق دانستن واقعیات، می‌تواند با توجه به شرایط خاص یا با توجه به اولویت‌ها و نیازهای یک جامعه در یک برهه زمانی تغییر کند.

دیدگاه‌های مختلف نظریه‌پردازان

- موقعیت‌گرایی (Situationism) و یا اباحی‌گری (Antinomianism) که معتقد است مهم آن چیزی است که رسانه یا ارتباط‌گر میل دارد در یک لحظه خاص انجام دهد.

- ماکیاوولی‌گرایی که رفتار غیراخلاقی را در مورد خاص به شرط آنکه مخفیانه و به ندرت صورت گیرد، مجاز می‌داند.

- غایت‌گرایی (Teleologism) که پیامدها را تنها عوامل تعیین‌کننده در اخلاقی بودن عمل ارتباط‌گر می‌داند و به حاصل عمل بی‌توجه است.

- لذت‌گرایی (Hedonism) که معتقد است یک عمل صحیح رسانه‌ای عملی است که در خدمت منافع افراد بیشتری باشد.

- خودگرایی (Egoism) که معتقد است یک عمل صحیح رسانه‌ای عملی است که برای خود ارتباط‌گر لذت‌بخش و مطلوب باشد.

و گروه‌های دیگر که به نظر آنها، با وضع قوانین فراگیر در مورد اخلاقیات رسانه‌ای، رویکرد خبرنگاران به اخلاق رسانه‌ای، رویکردی واحد و از نظر قانونی ممکن خواهد بود.

اخلاق رسانه‌ای در اسلام

دیدگاه اسلام به اخلاق رسانه‌ای که در اصول، ارزش‌ها، فلسفه و ماهیت این دین الهی ریشه دارد، دیدگاهی فراگیر و عام و جهان‌شمول شمرده می‌شود که گرچه منتسب به فرهنگی خاص به نام «فرهنگ اسلامی» است، اما به دلیل فطری بودن این دین، دربرگیرنده تمامی اصول و فروع اخلاقی است که در زمینه رسانه‌ها مطرح شده است.

اخلاق رسانه‌ای در مسیحیت

ک.وبنسترا در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق ارتباطات: رویکردی بر مبنای مسیحیت» اصول معینی را برای تجزیه و تحلیل اخلاقی علم ارتباطات در نظر می‌گیرد:

الف- اقتدار خداوند: بیانگر رابطه‌ای است که میان انسان و خداوند در هنگام آفرینش

حاصل شده است و این نقطه شروع تمامی ارتباطات بشری است.

ب- انسان مخلوقی است هدایت‌شونده:

این نظریه مستلزم به رسمیت شناختن تأثیر ارتباطات در هدایت زندگی دیگران است. به عقیده نگارنده تمامی ارتباطات بعدی اخلاقی دارند؛ یعنی انسان را به سوی خداوند یا برخلاف مسیر الهی به پیش می‌رانند.

ج- احترام کامل به دیگران: این اصل مستلزم آن است که هر کسی فرد دیگر را موجودی باهوش و اخلاقی ببیند.

د- ارتباطات در آفرینش: نگارنده در این اصل توضیح می‌دهد که آفرینش یا همان تصویر خداوند باید در هر رابطه وجود داشته باشد؛ یعنی در کنار هم بودن با تبعیت از خداوند. در این اصل، مهم، نقش ارتباطات و اخلاق در هدایت روند زندگی انسان‌ها به سمت خداوند است. بر مبنای این اصول برقرارکنندگان ارتباط و کارگزاران رسانه‌ها قبل از هر عمل ارتباطی باید بررسی کنند که این ارتباطات مردم را به سوی خداوند حرکت می‌دهند یا خیر.

فلسفه اخلاق در ایران معاصر

آیدین فرنگی

بیشتر متفکران معاصر ایرانی «اخلاق بما هو اخلاق» را بررسی کرده‌اند، اما اکنون نیاز به تدوین فلسفه اخلاق ایرانی احساس می‌شود. ما اخلاق ایرانی را داریم، یعنی دارای منش و شیوه زندگی خاصی هستیم، پس باید بتوانیم فلسفه خاص این زندگی را هم بنویسیم. دکتر مسعود امید، استاد فلسفه دانشگاه تبریز و مؤلف کتاب فلسفه اخلاق در ایران معاصر با طرح دیدگاه بالا معتقد است: «طرح پرسش پیرامون اینکه مؤلفه‌های اخلاق در ایران معاصر چیست، اولین گام در زمینه یادشده به حساب می‌آید. بعد از این مرحله باید به بررسی روابط این اخلاق با دین، سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و فناوری و دیگر زمینه‌ها پرداخت. پس اگر متفکر ایرانی وارد مرحله بحث فلسفی در اخلاق شده، امیدواریم وارد مرحله دوم این مسیر؛ یعنی ارائه فلسفه اخلاق ایرانی نیز بشویم.»

استاد رشته فلسفه دانشگاه تبریز با اشاره به مسئله بروز ابهام در اندیشه و عمل اخلاقی ایرانیان در مقطع اخیر، تصریح کرد: «متفکران

ایرانی در زمینه فلسفه اخلاق در موقعیت خوبی قرار گرفته‌اند؛ چرا که می‌خواهند به انجام تأملات نظری در حوزه اخلاق اقدام کنند. روشن کردن مفاهیم اخلاقی و تعیین ملاک‌های واقع‌بینانه، نیازمند پشتوانه نظری است. نمی‌توان فی‌البداهه شروع به تعیین خوب و بد کرد. باید اینها را به بحث گذاشت تا اهل فن نظر بدهند که خوب‌بودن در این شرایط به چه چیزی گفته می‌شود یا خویشتن‌داری، عقیف‌بودن، باتقوی‌بودن و... پس ابهام‌زدایی از اندیشه و عمل اخلاقی از ضرورتی تاریخی برخوردار شده است. روزگاری در یونان هم سقراط با همین مشکل مواجه شد. او دید که اندیشه و عمل اخلاقی در یونان دچار ابهام شده و یونانی امروز دیگر یونانی دیروز نیست. وی شاهد تغییر در رفتار و منش یونانی‌ها بود و بر همین اساس تأملات خود در باب اخلاق را هم سامان داد.»

«متفکران ما علاقه زیادی دارند تا رابطه اخلاق با حوزه‌های دیگر، نظیر: دین، سیاست، تعلیم و تربیت، فناوری و... و میزان تأثیر و تأثر متقابل این حوزه‌ها را بر یکدیگر بررسی و مشخص کنند». مؤلف کتاب **فلسفه اخلاق**

در ایران معاصر با بیان نکته بالا یادآور شد:

«فلسفه اخلاق در جهان به دو بخش تقسیم می‌شود: اخلاق تحلیلی و اخلاق هنجاری. من در کتاب خود از حیث روش‌شناسی، شیوه کار را مبتنی بر روش‌شناسی فلاسفه خودمان گرفته‌ام. مثلاً متفکران ما تصورات اخلاقی را مقدم بر تصدیقات اخلاقی می‌دانند؛ یعنی اول می‌گویند خوب یعنی چه و چگونه مفهومی است؟ آیا مفهومی است مثل کوه، معلول، طبیعت و... یا به تنهایی مفهومی مستقل دارد؟ بعد می‌گویند تعابیر اخلاقی ما چگونه تعبیرهایی است و سپس مقوله تصدیقات را مطرح می‌کنند و بعد از آن هم مباحث علم‌النفس فلسفی و مسائل انسان‌شناسی را پیش می‌کشند. اگر این پرسش مطرح شود که آیا ما چیزی به اسم گرایش اخلاقی داریم یا نه، بحث از عرصه معرفت‌شناختی به عرصه روان‌شناختی خواهد رفت.»

امید در ادامه سخنان خود به شیوه مناسب مطالعه آثار فلسفی پرداخت و تأکید کرد: «کتاب فلسفی با کتاب تاریخی یا رمان تفاوت زیادی دارد و بایستی با تأمل و درنگ کامل خوانده شود. وقتی سراغ متفکران خودمان هم می‌رویم،

کسانی که اطلاعات یا تفاسیری را به عموم عرضه می‌کنند باید مسئولیت کامل آنچه منتشر کرده‌اند را بر عهده بگیرند؛ مگر آنکه اینگونه مسئولیت‌ها به‌طور آشکار در همان زمان انتشار رد شده باشد. سابقه افراد باید محترم شمرده شود و اطلاعات و تفاسیر مربوط به زندگی‌های خصوصی که احتمال دارد به سابقه آنها لطمه بزند نباید منتشر شود؛ مگر به نفع عامه باشد و این امر را باید از کنجاوی عامه تفکیک کرد.



نباید از این تأمل و درنگ غفلت بورزیم. در مورد فلسفه اخلاق همه ما عادت داریم آرای متفکران غربی را مطالعه کنیم و باور نداریم برخی از متفکران ما هم در این حوزه افکار و تقریراتی داشته‌اند. متأسفانه به علت فاصله‌ای که با ایده‌ها و فضای فکری اندیشمندان مان پیدا کرده‌ایم، با نوع نوشتار آنها نیز شاید در ابتدا احساس بیگانگی پیدا کنیم.»

این استاد دانشگاه با طرح پرسش «مراد از فلسفه اخلاق چیست؟» چنین پاسخ داد: کار فلسفه اخلاق یا کار عالم اخلاق این است که بیاید خوب و بدها و بایدها و نبایدها را برای مردم مشخص کند. البته علم اخلاق در سنت ما عهده‌دار عرضه شیوه‌های چگونگی به‌دست‌آوردن فضایل و زدودن رذایل هم بوده است؛ یعنی نوعی از روان‌شناسی در اخلاق ما وجود داشته است. علمای اخلاق فقط مسئول بیان خوبی‌ها و بدی‌ها هستند، اما معنی خوب و بد چیست و غایت اخلاق کجاست؟ در واقع ما با دو منظر متفاوت روبه‌رو هستیم: یک‌بار گفته می‌شود امانت‌داری کار خوبی است، ولی ممکن است یکی این سؤال را بپرسد که اصلاً خوب به چه چیزی گفته می‌شود؟ اگر فردی یک عمر به امور اخلاقی بپردازد به چه چیزی خواهد رسید؟ آیا دین و عرفان می‌توانند جای اخلاق را بگیرند؟ تعبیر هنری با تعبیر اخلاقی چه تفاوتی دارد؟ آیا خوبی همان زیبایی است؟ علم اخلاق فقط به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه کارهایی خوب است و چه کارهایی بد، اما فیلسوف اخلاق در پی عرضه مبنای خوب‌بودن و بدبودن است و تعریف و ملاک و غایت و ارتباط اخلاق با حوزه‌های دیگر را تبیین می‌کند.»

«اگرچه ما در گذشته مباحثی مثل اخلاق فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و اخلاق عرفا را داشته‌ایم، به نظر می‌رسد تا ۷۰ سال اخیر شاخه‌ای مستقل به نام فلسفه اخلاق در ایران وجود نداشته است». امید در تشریح نکته مذکور گفت: «متون کلامی شیعی و اشعری و معتزلی بحث حسن و قبح را مطرح می‌کردند، اما خود این بحث را هم متمرکز می‌کردند، در افعال الهی و به تبع آن در مورد انسان هم این افعال را مورد بحث قرار می‌دادند. بحث کلامی می‌خواهد رابطه خدا با جهان و رابطه خدا با انسان را حل کند. اما در فلسفه است که بحث فلسفه اخلاق

به‌عنوان یک شاخه مستقل پیش کشیده می‌شود و در ایران نیز سابقه‌ای بیش از ۷۰ سال ندارد. همچنین ما امروز با بحث‌های معرفت‌شناختی، معنی‌شناختی، هستی‌شناختی و منطقی روبه‌رو هستیم که در گذشته وجود نداشته‌اند. توجه به کتاب‌های اخلاق کلاسیک ایرانی و دقت به شرایط کنونی به صورت شهودی، ما را به این باور خواهد رساند که اکنون امر جدیدی متولد شده است و کتاب فلسفه اخلاق در ایران معاصر با گردآوری آرای متفکران متفاوت ایرانی در سطوح متفاوت فکری، سعی در عرضه گزارشی است از این مولود نو.»

وی افزود: «کتاب در فصل نخست به بررسی آرای فلاسفه یونانی در مورد اخلاق می‌پردازد تا خواننده را از ریشه این نگرش که پایه در یونان دارد آگاه کند. در فصل دوم دیدگاه‌های مارکسیست‌های ایرانی در مورد فلسفه اخلاق معرفی می‌شود و در فصل بعد از نگرش سیزده متفکر ایرانی به فلسفه اخلاق سخن به میان می‌آید.»

مؤلف کتاب **فلسفه اخلاق در ایران معاصر** در معرفی فصل‌های کتابش متذکر شد: «گزینش متفکران ایرانی و ترتیب قرارگرفتن آنها براساس تألیفات و جزوه‌های درسی این افراد بوده است؛ یعنی به تقریرات متفکران متعدد رجوع کردم و وقتی دیدم در آرای آنها دغدغه فلسفه اخلاق دارند، به ترتیب تاریخ نشر، دیدگاه‌های آنها را بدون قضاوت یا نقد، به‌صورت توصیفی آوردم. این اثر می‌تواند ایرانیان را در جریان تفکر معاصر خودشان قرار دهد و بدین ترتیب گامی است در مسیر زدودن آنچه «حجاب معاصرت» نامیده می‌شود. در اندیشه معاصر ما تعدد و تنوع دیدگاه وجود دارد و به هیچ‌وجه با امری یکسان و یک‌دست مواجه نیستیم. تفکر در ایران یک‌سویه و انحصاری نبوده است. تعدد و تکثر در عالم فلسفه و فلسفه‌ورزی امری است نه تنها مبارک، بلکه ضروری؛ چراکه این تنوع و تعدد است که سبب تحقق گفت‌وگو و انجام تعامل و بروز تعالی می‌شود. سطح دیدگاه افراد مطرح در کتاب هم متفاوت است و برخی حتی در سطوح پایین قرار می‌گیرند، اما چون بنا بر عرضه کامل دیدگاه‌های عرضه‌شده بود، عین آنها را نقل کرده و گزارش داده‌ام.»

اندیشمندانی که آرای آنها در کتاب **فلسفه**

اخلاق در ایران معاصر عرضه شده است، به ترتیب عبارتند از: مهدی حائری یزدی، شهید مرتضی مطهری، محمدتقی مصباح یزدی، جعفر سبحانی، رضا داوری اردکانی، عبدالله جوادی آملی، صادق لاریجانی، محمدرضا مدرسی و علی شیروانی. کتاب یادشده از سوی انتشارات علم به چاپ رسیده است.

کدهای اخلاقی مهرآسا معصومه‌علی حقیقت را بجویید

خبرنگاران باید صادق، منصف و شجاع در جمع‌آوری، گزارش و تفسیر اطلاعات باشند. خبرنگار باید:

- درستی اخبار و اطلاعات رسیده را بررسی و آزمایش کنند و از تمامی راه‌ها و منابع برای این بررسی‌ها استفاده و از بروز هرگونه اشتباه در کسب و انتشار گزارش خبری و تحلیل آن جلوگیری کنند.

- به هر روش ممکن باید منابع مختلف و موثق برای اخبار پیدا کنند.

- همیشه منابع موثق خود را زیر سؤال ببرند تا مطمئن شوند هدف آنها از ارائه اطلاعات منافع شخصی نباشد.

- باید مطمئن باشند تمام خبرها، منابع خبری، عکس‌ها و ویدیوها، صداها ضبط‌شده، گرافیک‌ها، کلیپ‌های صوتی و تصویری و نقل‌قول‌ها به‌طور واقعی و حقیقی درج شده است و به‌صورت نادرست و غلط ارائه نشود.

- نباید خبری بیش از اندازه کوچک و یا بزرگ جلوه داده شود و نباید آن را از محتوای اصلی خود خارج کرد.

- هیچ وقت نباید اصل عکس‌های خبری، ویدیویی و یا کلیپ‌های تصویری را به‌خاطر اینکه واضح‌تر یا تکنیکی‌تر و زیباتر شود، دستکاری کرد.

- باید از صحنه‌سازی در اخبار و یا بازسازی مصنوعی اخبار پرهیز شود.

- از راه‌های مزورانه، تقلبی و ریاکارانه برای کسب خبر خودداری شود. از روش‌های مکارانه برای کسب اخبار استفاده نشود.

- اخبار ارائه‌شده توسط دیگران را نباید به نام خود و تقلبی ارائه بدهند.

- واقعیت و ابعاد وسیع تجربه انسان‌ها را بیان

کند، حتی اگر مورد قبول عامه نباشد.

- ارزش‌ها و تجربیات فرهنگی خود را بیان کنند، بدون آنکه آن را به دیگران تحمیل کنند.

- از تبعیضاتی که به واسطه تفاوت‌های نژادی، سنی، مذهبی، گرایش قومی، موقعیت جغرافیایی، ظواهر فیزیکی و وضعیت اجتماعی به وجود می‌آید خودداری کنند.

- از برخورد آزاد با آرا و عقاید، حتی اگر با مواضع آنها سازگاری ندارد و یا متفاوت است، حمایت کنند.

- بیان‌کننده صدای افرادی باشند که قدرت بیان ندارند و یا صدای آنها به جایی نمی‌رسد.

- میان آگهی تجاری و خبر تفاوت قائل شوند.

- در اخبار مربوط به کودکان و نوجوانان، دقت بیشتری داشته باشد.

- قصاص قبل از جنایت نکنند و سعی کنند نام تمامی افراد را قبل از اعلام رسمی مجازات علیه آنها منتشر نکنند و حقوق یک دادگاه منصفانه برای متهمان را به اطلاع عامه برسانند.

آسیب‌ها و صدمات را به حداقل برسانید

خبرنگار حرفه‌ای اخلاق‌مدار، تمامی منابع خبری، موضوعات خبری و همکاران حرفه‌ای خود را در وهله اول به‌عنوان فردی از جامعه بشری قلمداد کرده، احترام و عزت نفس او را واجب می‌شمارد. خبرنگار باید:

- برای کسانی که خبرهای منتشره در مورد آنان صدق می‌کند، علاقه و همدردی نشان دهد.

در مورد کودکان و افراد آسیب‌پذیر و مطالبی که از صحت آنها اطمینان ندارد، حساسیت بیشتری به خرج دهد.

- در زمانی که افراد حادثه دیده‌اند و در آن لحظه دچار غم و اندوه هستند، برای تهیه گزارش و عکس باید حساسیت بیشتری نشان دهد.

- اخذ مجوز و تشخیص این موضوع که چه زمانی باید اخبار و اطلاعات جمع‌آوری شود، لازم است و باید بداند و اذعان دارد که گردآوری و ارائه اخبار ممکن است برای عده‌ای ناراحتی و مزاحمت به بار بیاورد و ملال‌آور باشد. به هر صورت ارائه خبر نباید مجوزی برای آزاررساندن به دیگران باشد.

- توجه به حریم خصوصی لازم است و باید بداند مردم عادی حق بیشتری دارند که زندگی

خصوصی آنها را برای خود نگه دارند و در مقایسه با افرادی که برای حکومت کار می‌کنند و به دنبال قدرت هستند، جست‌وجوی اخبار در مورد آنها بیشتر صادق است.

- رازداری و افشانکردن نام افراد حادثه‌دیده و کودکان که در این مواقع باید بیشتر دقت کنند.

- قصاص قبل از جنایت نکردن و افشانکردن نام متهمان تا زمانی که جرم آنها ثابت و نام آنها اعلام نشده است.

- حقوق یک دادگاه منصفانه برای متهمان را به اطلاع عامه برسانند.

استقلال داشته باشید

خبرنگاران باید از هر وابستگی به غیر از حق عموم مردم به دانستن اخبار آزاد باشند. خبرنگار باید:

- از دخالت‌دادن منافع و تمایلات شخصی خود، چه به صورت واقعی و چه به صورت معنوی، بپرهیزد.

- از عضویت در سازمان‌ها و گروه‌ها و فعالیت‌هایی که وجدان کاری او را خدشه‌دار می‌کند، بپرهیزد.

- از پذیرفتن هدیه، پول، هزینه مسافرت و... خودداری کند. شغل دوم را که شامل حضور سیاسی، دفاتر عمومی، سازمان‌های دولتی و اجتماعی است که به استقلال و تعهد حرفه‌ای او لطمه می‌زند، نپذیرد.

- در صورتی که در جایی منافع او با پخش خبر در تعارض است، آن را اعلام کند.

- آنقدر شجاعت داشته باشد که بتواند افرادی را که در مصدر قدرت هستند، مورد سؤال قرار دهد.

- از پذیرفتن هرگونه تحفه و هدیه و باج از طرف شرکت‌های تجاری و گروه‌هایی که دنبال منافع خود هستند و مایل هستند پوشش خبری را تحت تأثیر قرار دهند، بپرهیزد.

- در مقابل فشار برای پرهیز از گفتن حقایق مقاومت کند.

- اگر منابع خبری برای افشای اخبار تقاضای پول و دیگر مزایا کنند، موضوع را به اطلاع برساند و نگذارد محیط خبری را فاسد و از رسوخ آنها به جامعه خبری پیشگیری کنند.

پاسخگو باشید

خبرنگار، خود را در برابر خوانندگان، شنوندگان و تماشاگران مسئول بداند. خبرنگار باید:

- پوشش خبری واضح و روشنی از وقایع ارائه بدهد. قبل از گفت‌وگو با افراد از آنها دعوت به عمل آورد.

- مردم را تشویق کند در مقابل رسانه سؤالات خود را بیان کنند.

- در صورت بروز اشتباه بدون فوت وقت به آنها اعتراف کرده، آنها را اصلاح کند.

- به شیوه‌های غیراخلاقی برای کسب خبر آگاهی داشته باشد و از آنها استفاده نکند.